

نگرشی کوتاه به حسابرسی داخلی

داخلی کنترل نظام کارکردهای: چهارم بخش

رضا مسجدی تهیه کننده: حسن

۱- کمیته حسابرسی

افزایش موارد استفاده و شمار کاربران اطلاعات مالی بنگاههای اقتصادی، به دنبال و در تداوم افزایش شمار شرکت‌های سهامی و توسعه و رونق بازارهای سرمایه، موجب استفاده از خدمات افرادی شد تا با رسیدگی به مدارک، اسناد و حساب‌های یک بنگاه اقتصادی، هرگونه تقلب و سوء استفاده را کشف و نسبت به صورتهای مالی اظهار نظر بی طرفانه کنند، از سوی دیگر، با توجه به اختیارات مدیریت، نیاز به افرادی احساس می‌شد که قابلیت اعتماد روند گزارشگری مالی را نظارت کنند. بدین ترتیب کمیته‌های حسابرسی، متشکل از اعضای غیر موظف هیأت مدیره ایجاد شدند و توانستند نقش بسیار مهمی را در نظارت بر مسئولیت گزارشگری مالی مدیریت و حسابرسی مستقل صورتهای مالی به عهده بگیرند.

کمیته حسابرسی، کمیته‌ای است تخصصی که از سوی هیأت مدیره مؤسسه اعتباری و به منظور یاری رساندن به آنها (در امر نظارت بر مسئولیت هایشان در حیطه فرآیند گزارشگری مالی، فرآیند حسابرسی و فرآیند تطبیق با قوانین و مقررات و ضوابط اخلاقی) تشکیل شده در چارچوب اختیارات، مقررات، خط مشی‌ها و حدود وظایف تعیین شده از سوی هیأت مدیره انجام وظیفه می‌نماید.

هدف از ایجاد کمیته حسابرسی یاری رساندن به هیأت مدیره مؤسسه اعتباری در نظارت بر موارد ذیل می‌باشد:

۱- اثر بخشی نظام کنترل داخلی

۲- کیفیت و صحت صورتهای مالی، فرآیندهای گزارشگری مالی، نظام‌های حسابداری و کنترل مالی

۳- رعایت قوانین و مقررات مرتبط، الزامات نظارتی و سیاست‌های مؤسسه اعتباری از جمله خط مشی‌های مربوط به منشور اخلاقی

۴- استقرار، حفظ و حمایت از واحد حسابرسی داخلی

۵- استقلال، صلاحیت حرفه‌ای و عملکرد حسابرسان داخلی و مستقل

ویژگی‌ها

کمیته حسابرسی باید ویژگی‌های ذیل را داشته باشند.

۱- اعضاء و رئیس آن توسط هیأت مدیره انتخاب شوند.

۲- تعداد اعضای آن فرد و حداقل ۳ نفر باشد.

۳- رئیس و اکثریت اعضای آن از میان اعضای غیرموظف هیأت مدیره انتخاب شوند.

۴- اکثریت اعضاء آن دارای تخصص حسابداری، حسابرسی و مالی باشند.

۵- رئیس کمیته از میان اعضای انتخابی انتخاب شود که دارای تخصص حسابداری، حسابرسی و مالی بوده و شناخت کافی از عملیات مؤسسه اعتباری داشته باشد.

۶- رئیس هیأت مدیره نمی‌تواند همزمان ریاست کمیته حسابرسی را نیز به عهده داشته باشد.

۲- جایگاه سازمانی حسابرسی داخلی

بخش بزرگی از موقعیت ظاهری حسابرسی داخلی، بی تردید در هر سازمان به چگونگی انجام دادن حسابرسی داخلی بستگی دارد. بدین ترتیب، حسابرسی داخلی باید برخوردی حرفه‌ای داشته باشد و تأکید آن بر کیفیت نتایج نهایی حسابرسی داخلی، بویژه گزارشهای تخصصی به مدیریت و گزارشهای سالانه به مدیریت ارشد، کمیته حسابرسی یا مقامات مشابه باشد. برخورد توأم با حمایت مدیریت از توان خلاقیت و آینده‌نگری حسابرسی داخلی در انجام دادن کار حسابرسی داخلی، یعنی واکنش مثبت مدیریت در برابر تغییرات سازمانی یا روشهای اجرای کار، به جای درگیر شدن پس از رخ داد وقایع، به همان اندازه برخورد حرفه‌ای حسابرسی داخلی دارای اهمیت است. حمایت و پشتیبانی مدیریت از چنین برخوردی، حسن شهرت حسابرسی داخلی را افزایش می‌دهد و در نهایت، سبب اثر بخشی آن در درون سازمان و دلگرمی مدیران اجرایی در مشاوره با حسابرسی داخلی درباره تغییراتی می‌شود که قرار است در روشهای کاری آنی آنان به وجود آید. بدیهی است جایگاه سازمانی حسابرسی داخلی باید چنان باشد که بتواند وظایف خود را به گونه‌ای اثربخش انجام دهد. در نتیجه برای انجام گرفتن وظایف واحد حسابرسی داخلی و تعیین اولویت‌های کاری آن، البته در مشورت با مدیریت، حمایت کامل مدیریت سازمان از واحد حسابرسی داخلی یک ضرورت است.

۳- استقلال حسابرسی داخلی

عامل اصلی برای توانمند بودن حسابرسی داخلی، استقلال آن است. مدیریت باید این عامل را به رسمیت بشناسد و با تأمین جایگاه مناسب حسابرسی داخلی در ساختار سازمانی، نسبت به استقلال واحد حسابرسی داخلی اطمینان دهد. عملکرد حسابرسی داخلی باید چنان باشد که به روشنی نشان دهد حسابرسی داخلی تحت تأثیر هیچگونه اعمال نفوذ غیرمستولانه‌ای نیست که بتواند زمینه رسیدگی یا کار آن را محدود کند یا تغییر دهد یا بتواند به تصمیم‌گیری آن درباره محتوای گزارشهایی که به مدیریت ارائه می‌شود، بطور قابل ملاحظه‌ای اثر بگذارد. بنابراین، اقدامات لازم در مورد استقلال کاری واحد حسابرسی داخلی باید به عمل آید که با تحقق آن، اظهار نظرهای و پیشنهادهای حسابرسی داخلی، بی‌طرفانه ارائه شود. از این رو، مسئولیت کارهایی که ماهیت حسابرسی ندارند نباید به حسابرسی داخلی واگذار شود. باید توجه کرد که تداخل در وظایف مربوط به دوایر بخشهای مختلف سازمان، اثر نامطلوب بر حسابرسی داخلی دارد و اثر بخشی حسابرسی داخلی را کاهش می‌دهد و می‌تواند مخاطراتی را برای سازمان بوجود آورد. اگر حسابرسی داخلی در سیستم یاروش حضور نداشته باشد و آن سیستم یا روش بدون هرگونه خللی به فعالیت خود ادامه دهد، آزمونی است برای تشخیص استقلال واحد حسابرسی داخلی، در حالی که اگر حسابرسی داخلی بطور روزمره درگیر سیستم یاروش باشد جزئی از سیستم محسوب می‌شود و نسبت به آن سیستم، استقلال نخواهد داشت.

استقلال حسابرسی داخلی به شکلهای زیر محقق می‌شود:

الف- استقلال از لحاظ دسترسی

رئیس حسابرسی داخلی باید به مدیریت ارشد سازمان، شامل مدیرعامل، هیأت مدیره و مدیران غیراجرایی سازمان دسترسی مستقیم داشته باشد و بتواند آزادانه به آنها گزارش دهد.

ب- استقلال از لحاظ گزارشگری

رئیس حسابرسی داخلی باید بتواند گزارشهای خود را بدون حذف مطلبی و با نام و امضای خود ارائه دهد.

ج- استقلال از لحاظ فعالیتهای سازمانی

حسابرسی داخلی باید نسبت به کلیه سیستمهای مالی و اداری سازمان استقلال کامل داشته باشد. در گیر شدن حسابرسی داخلی در سیستم‌های اجرایی و برنامه‌های سازمان باید به موارد زیر محدود شود:

- ۱- ارائه پیشنهاد در ارتباط با ایجاد کنترل‌های داخلی برای موارد تجدید نظر در سیستم‌ها یا پروژه‌های موجود یا طراحی سیستم‌های جدید یا ایجاد پروژه‌های جدید.
 - ۲- ارزیابی کنترل‌های پیشنهادی برای پروژه‌های خاص
 - ۳- ارزیابی کنترل‌های موجود سیستم‌ها و فرآیند تصمیم‌گیری
 - د- استقلال از لحاظ جایگاه سازمانی
- جایگاه سازمانی حسابرسی داخلی باید به گونه‌ای باشد که بتواند مستقل از افرادی فعالیت کند که مستقیماً مسئولیت فعالیت‌های مورد رسیدگی را بر عهده دارند.
- ه- استقلال رأی
- حسابرس داخلی باید بدون هرگونه جانبداری با مسایل برخورد کند و از چنان جایگاه سازمانی برخوردار باشد که بتواند بی‌طرفانه تصمیم‌گیری و نظر و پیشنهادهای خود را ارائه کند.